



نسبت اخلاق، کاربردی و سیاست

دانش اخلاق و نهاد اخلاقی رابطه نزدیکی با علوم سیاسی و نهاد سیاست دارند. موضوعات اصلی سیاست...

خبرگزاری مهر- دانش اخلاق و نهاد اخلاقی رابطه نزدیکی با علوم سیاسی و نهاد سیاست دارند. موضوعات اصلی سیاست از قبیل قدرت، حاکمیت، مشروعیت، عدالت و آزادی می‌توانند راهگشای اخلاق باشند. اخلاق کاربردی لزوماً به داشتن نظریه اخلاقی پیچیده‌ای یا حتی اصل تأسیسی لازم الاتباعی نیاز ندارد؛ به بیان دیگر اگر اقامه ادله عقلی درباره مسئله‌ای خاص لازمه یک نظر اخلاقی شمرده شود، لازمه‌اش این نیست که برای اخلاقی شمردن عقیده خود باید به شرح نظریه اخلاقی پیچیده‌ای بپردازیم یا حتی اصول لازم الاتباعی را تاسیس کنیم.

البته پاسخ گویی به پاره‌ای از انتقادات کلی بر اخلاق کاربردی به ناچار از زبان استدلال عقلی استفاده می‌کنیم، ولی این مسئله دیگری است.

برخی استلالهای عقلانی این است که به مجموعه نظام اخلاقی این محدودیت را تحمیل می‌کند که باید نظامی هماهنگ باشد. اگر با اصل "همه انسانها برابرند" از نژادپرستی انتقاد شود، بایستی از سایر مظاهر تبعیض مثل تبعیض جنسی که این اصل را نقض می‌کند، نیز انتقاد کرد.

ویژگی مسئله محوری اخلاق کاربردی و تلاش آن برای حل مشکلات، معضلات و مسائل اخلاقی سبب شده پژوهشگران این عرصه به خصوصیات میان رشته‌ای بودن این شاخه از پژوهشهای اخلاقی اذعان نمایند.

بدین لحاظ گفته‌اند اخلاق کاربردی با برخی رشته‌های علمی مانند جامعه شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، ادبیات و هنر، مطالعات دینی، حقوق و مدیریت، ارتباط و تعامل تنگاتنگ دارد.

مسائل سیاسی عمدتاً بر محور رابطه تعاملی فرد، جامعه و حکومت استوار است که همپوشانی در خور توجهی با سر فصلهای اخلاق اجتماعی دارند. از دیر باز حکما به هدف مشترکی برای دو دانش اخلاق و سیاست باور داشتند و سعادت را غایت این دو علم می‌شمردند.

رابطه تعاملی اخلاق و سیاست را می‌توان در کمکهای این دو رشته به یکدیگر نیز مشاهده کرد. ارائه رهیافت اخلاقی برای مواجهه با مسائل سیاسی مانند تولید، توزیع و انتقال اخلاقی قدرت و طراحی مدل اخلاقی ساختها و فرآیندهای سیاسی، توجه دادن به ریشه‌ها و ابعاد اخلاقی مفاهیم و اصطلاحات سیاسی به ویژه در عرصه فلسفه سیاست گوشه‌ای از کمک‌های اخلاق به سیاست است.

گذشته از رابطه وثیق دانش اخلاق و نهاد اخلاقی با علوم سیاسی و نهاد سیاست، بسیاری از زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی دارای ماهیت، عناصر یا کارکردهای سیاسی‌اند.

مثلاً می‌توان از اخلاق شهروندی، اخلاق مدیریت، انتخابات و اخلاق، اخلاق بین‌الملل، اخلاق دیپلماسی، اخلاق رسانه و اخلاق نظامی‌گری نام برد و در این میان بین برخی گرایش‌های علوم سیاسی و پاره‌ای از شاخه‌های اخلاق کاربردی ارتباط تنگاتنگ‌تر و روشنتری برقرار است.